

چه باید کرد؟^۱

مسائل حاد جنبش ما

پیش‌نوشتار

مطابق طرح اولیه نویسنده، قرار بود که جزوه حاضر بطور مفصل به بسط عقایدی بپردازد که در مقاله «از کجا باید آغاز کرد؟» (ایسکرا، شماره ۴، ماه مه سال ۱۹۰۱)^۲ اظهار شده بودند. پیش از هر چیز، باید از خوانندگان بخاطر تأخیری که در انجام وعده‌ام در آن مقاله (و بخاطر خُلف وعده‌ای که در پاسخ به پرسش‌ها و نامه‌های خصوصی فراوان تکرار شد) پوزش بخواهم. یکی از علل این تأخیر، تلاشی بود که در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۰۱)، بمنظور متحدکردن کلیه سازمان‌های سوسیال دموکرات خارج کشور صورت گرفت. طبیعی بود که منتظر نتایج این تلاش بمانم؛ چون اگر موفقیت‌آمیز بود چه بسا لازم می‌شد تا مفاهیم مربوط به تشکیلات - مندرج در ایسکرا - را با رویکردی کم‌پایبش متفاوت بسط دهم؛ ضمناً چنین موفقیتی می‌توانست به موجودیت دو گرایش در جنبش سوسیال دموکراسی روسیه سریعاً خاتمه دهد. همانطوریکه واقفید این تلاش به شکست انجامید و آنطور که نشان خواهیم داد، با چرخش اخیر مجله **رابوچیه دلو**^۳ در شماره ۱۰، به سمت اکونومیسم^۴، این تلاش محکوم به شکست نیز بود. بعدتر آشکار شد که شروع یک مبارزه قاطع علیه این گرایش پراکنده و نامشخص، کاملاً ضرورت داشت؛ چون بخاطر داشتن همین خصایص، سماجت و توانایی‌اش برای ظهور مجدد در اشکال مختلف، بیشتر می‌شود. به همین خاطر، طرح اولیه این جزوه تغییر نمود و بطور قابل توجهی بسط پیدا کرد.

قرار بود تم اصلی مقاله دربرگیرنده آن سه مسئله‌ای باشد که در مقاله «از کجا باید آغاز کرد؟» معرفی شده بودند: (۱) خصلت و مضمون اصلی آژیتاسیون سیاسی ما (۲) وظایف تشکیلاتی ما (۳) برنامه‌ریزی، همزمان و از جهات گوناگون، برای تاسیس یک سازمان رزمنده که تمام روسیه را دربرگیرد. این مسائل که دیری بود ذهن نویسنده را بخود مشغول داشته بودند، در حالی در **رابوچایا گازتا**^۵ طرح شدند که یکی از تلاش‌های ناموفق برای احیای آن نشریه در جریان

^۱ لنین «چه باید کرد؟» را در اواخر ۱۹۰۱ و اوایل ۱۹۰۲ نوشت. در مقاله «از کجا باید آغاز کرد؟» که در ایسکرای شماره ۴ (ماه مه ۱۹۰۱) منتشر شد لنین قول داده بود که این اثر را بزودی منتشر خواهد کرد. اما در چاپ آن تأخیر افتاد که در ادامه همین مقاله توضیحات لنین را خواهید خواند. در بازچاپ کتاب، در ۱۹۰۷، لنین بخش‌هایی - از جمله افزوده‌های نهایی که تحت عنوان «پیوست» آمده بود - را حذف نمود. در ترجمه حاضر نیز بخش پیوست ترجمه نشده است. ترجمه: تراب تالنت و ی. کهن - دسامبر ۲۰۲۰

^۲ ترجمه این مقاله در همین مجموعه آمده است.

^۳ Rabocheye Dyelo ارگان اتحادیه سوسیال دموکراتهای روسیه در خارج از کشور بود که از آوریل ۱۸۹۹ تا فوریه سال ۱۹۰۲ در ژنو انتشار می‌یافت.

^۴ در این نوشته غرض از اکونومیسم اشاره به گرایشی است که در اواخر قرن ۱۹ در حزب سوسیال دموکرات روسیه پیدا شد.

^۵ Rabochaya Gazeta روزنامه سوسیال دموکراتهای کیف بود که بطور غیرقانونی آغاز به کار کرد. از این روزنامه، فقط دو شماره انتشار یافت: شماره اول در ماه اگوست و شماره دوم در دسامبر ۱۸۹۷. اولین کنگره حزب کارگران سوسیال

بود (رجوع شود به فصل پنجم). اما طرح اولیه بمنظور محدود کردن جزوه، به فقط سه مسئله فوق، و تشریح نقطه نظرات مان به یک شکل حتی المقدور مثبت، آنهم بدون یا تقریباً بدون وارد شدن به پلمیک، به دو دلیل، کاملاً ناممکن شد: از طرفی اکونومیسم نشان داد که بمراتب بیشتر از آنچه تصور می‌کردیم سخت‌جان است (کلمه اکونومیسم را به آن معنای وسیعی بکار می‌برم که در **ایسکرا** شماره ۱۲ (دسامبر ۱۹۰۱) در مقاله "سخنی با مدافعین اکونومیسم"^۶ - که عبارتی فشرده جزوه حاضر است - توضیح دادم). بی‌هیچ تردید، مسلم شد که اختلافات موجود بر سر راه‌حل‌های [پیشنهادی] برای سه مسئله مذکور، تا حد زیادی از اختلاف بنیادین میان دو گرایش موجود در سوسیال دموکراسی روسیه - و نه اختلاف بر سر جزئیات - نشأت می‌گیرند. از طرف دیگر اغتشاش فکری اکونومیست‌ها در درک چگونگی کاربرد عملی نظریات ما در **ایسکرا**، به وضوح نشان داد که در واقع به زبان‌های متفاوتی باهم سخن می‌گوییم و تا زمانی که الفبای مشترکی بکار نگیریم، به هیچ وجه قادر نخواهیم بود همدیگر را بفهمیم. از اینرو باید تلاش شود تا به ساده‌ترین شیوه ممکن، و با آوردن مثال‌های مشخص و متعدد، کلیه نکات اصلی مورد اختلاف مان را با کلیه اکونومیست‌ها، بطور سیستماتیک "روشن" کنیم. با آنکه کاملاً واقف بودم که چنین کاری بر حجم جزوه بمراتب خواهد افزود و چاپ آنرا بتعویق خواهد انداخت، مصمم شدم تا تلاشی برای "روشن سازی" انجام دهم. برای ادای وعده‌ای که در مقاله "از کجا باید آغاز کرد؟" داده بودم، چاره‌ای جز این نداشتم. از اینرو ضمن پوزش برای تأخیر، باید بخاطر نقایص ادبی جدی زیادی که در جزوه هست معذرت بخواهم. مجبور بودم با نهایت عجله، با وقفه‌های مکرری که بخاطر انجام وظایف گوناگون پیش می‌آمد، کار کنم.

بررسی سه مسئله فوق هنوز تم اصلی جزوه حاضر را تشکیل میدهد با اینحال لازم دیدم که کار را با دو سئوالی که جنبه عمومی‌تر دارند آغاز کنم: الف - چرا یک شعار "بی‌ضرر" و "طبیعی" مثل "آزادی انتقاد" باید برایمان بمنزله فراخوان به جنگ باشد؟ و چرا ما نمی‌توانیم حتی در مورد این مسئله پایه‌ای که نقش سوسیال دموکرات‌ها در جنبش خودانگیخته توده‌ای چیست باهم کنار بیاییم؟ علاوه به تشریح این نکته پردازیم که چطور نظریات مان پیرامون خصلت و محتوای تبلیغات سیاسی، به توضیح اختلافات موجود میان سیاست‌های تریدیونیونیستی^۷ و سیاست‌های سوسیال دموکراسی تکامل پیدا کرد، و تشریح نظریات مان پیرامون وظایف تشکیلاتی مان، به توضیح اختلاف میان روش‌های ناشیانه مورد پسند اکونومیست‌ها و ساختن سازمان انقلابیون - که نزد ما مهم است - انجامید. ضمناً من "طرح" راه‌اندازی یک روزنامه سیاسی سراسری برای سراسر روسیه را با اصرار زیاد به پیش می‌برم چرا که اعتراضات علیه آن بی‌اساس هستند؛ چرا که به پرسشی که در مقاله "از کجا باید آغاز کرد؟" - راجع به اینکه چگونه می‌توانیم همزمان و از همه جهات، کار تأسیس تشکیلات مورد نیازمان را شروع کنیم - هیچ پاسخ واقعی داده نشد. سرانجام در بخش نتیجه‌گیری، امیدوارم نشان دهم که هر آنچه از دستان برمی‌آمد انجام دادیم تا از گسست قطعی با

دموکرات روسیه (R.S.D.L.P.) که در سال ۱۸۹۸ برگزار شد، آن را بمتابه ارگان مرکزی حزب پذیرفت. اما مدتی بعد به علت حمله پلیس به چاپخانه و دستگیری اعضای کمیته مرکزی انتشار آن متوقف شد.

A Talk With Defenders of Economism^۶

^۷ اتحادیه صنفی - Trade Union - عنوان اولین اتحادیه‌های کارگری است که در انگلستان طبق سنت اصناف بر اساس حرفه‌های کاری و شغلی شکل گرفتند. هر چند امروزه در خود انگلستان نیز این شکل قدیمی بندرت یافت می‌شود، اما هنوز هم بسیاری از اتحادیه‌های کارگری همین عنوان اتحادیه‌های صنفی را حفظ کرده‌اند. در کشورهای دیگر یا از همین عنوان اتحادیه‌های صنفی یا اسامی دیگری استفاده شده است که در طول زمان معانی آنان نیز تغییر کرده‌اند؛ مثل سندیکا که نخست به تشکیلات کارگری در یک شرکت خاص اطلاق می‌شد اما بعدها به همان معنای عمومی اتحادیه‌های کارگری استفاده می‌شود. در این متن لنین برای تمام اینگونه تشکیلات کارگری از همان عنوان اتحادیه‌های صنفی استفاده کرده است. ما همه را صرفاً به اتحادیه‌های کارگری ترجمه کرده‌ایم. مگر آنکه غرض نویسنده بطور مشخص تاکید جنبه صنفی و یا شکل اولیه انگلیسی آن بوده باشد. Trade Unionist اما هم به اعضای اینگونه اتحادیه‌ها اطلاق می‌شود و هم اشاره به گرایشی است درون جنبش کارگری که مبارزات اقتصادی اتحادیه‌ای را مقدم بر و یا مهمتر از مبارزات سیاسی حزبی تلقی می‌کند. آنجا که اشاره لنین به این گرایش است از تریدیونیونیست یا گرایش تریدیونیونیستی استفاده شده است.

اکنون می‌ست‌ها. که به هر حال اجتناب‌ناپذیر شد - جلوگیری کنیم؛ (و باز امید داریم نشان دهم) که "رابوچیه دلو" به یک اهمیت ویژه، یا به عبارتی به یک اهمیت "تاریخی" دست یافت، چرا که بازتاب‌دهنده تام و تمام نه محتوای اکنون می‌سیم، بلکه آن ابهام و تزلزلی شد که جزو صفت ممیزه یک دوره کامل از تاریخ سوسیال دموکراسی روسیه بود؛ و از اینرو پلمیک با "رابوچیه دلو" - که در نگاه نخست اینطور بنظر می‌رسد که بیش از اندازه به جزئیات پرداخته - اهمیت می‌یابد، زیرا بدون آنکه بتوانیم بر این مرحله نقطه پایانی قطعی بگذاریم، نمی‌توانیم به پیش برویم.

ن. لنین - فوریه ۱۹۰۲